فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۶۵-۳۵۵
New Period 4, No 31, 2021, P 355-365
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

گسترش اسلام از افریقیه تا پواتیه، اموی سازی فتوحات، فتح آندلس، توسعه جاهلیت عربی در صدر اسلام

دکتر محمد رضا شهیدی پاک
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، ایران

چکیده
اسلام تاریخ هزار سال جهان در قرون وسطی را چنان نوشته است که هنوز قرائت آن مفید و جذاب و کارآمد است. فتوحات اسلامی از حوادث بزرگی است که چهارچوب تحولات قرون وسطی از افریقیه تا پوتیه در فرانسه تا هشت قرن را رقم زد و در پی آن،فرهنگ، تمدن، سیاست و اقتصاد قرون وسطای مسیحی؛ رنگ اسلامی به خود گرفت؛ این پیروزی به منزله هیمنه مطلق کلمه«لا اله الاّ اللّه؛ محمّدرسولاللّه» برسه‌گانه پرستی مسیحی دربخش بزرگی ازاروپاشد; مسلمانان، جغرافیای سیاسی جهان راتغییردادند و کشوراسلامی جدیدی تأسیس کردندومنطقه اسلامی نو بنیادی درغربی‌ترین نقطه جهان اسلام پدیدآمدوپرچم اسلام درقلب اروپا افراشته شد؛ سراسرِساحل غربی وشرقی مدیترانه غربی در اختیار مسلمانان قرار گرفت؛ پیروزی مسلمانان در آندلس، به نوعی انتقام تاریخی بربرها از ساکنان پیشین آندلس بودکه سال‌ها بربرها را تحقیروسرزمین آن‌ها را اشغال کرده بودند; رکن کلیدی پژوهش در فتوحات اندلس در صدر اسلام این است که اسلام در سپیده دم طلوع خود بوسیله بوزینگانی که از منبر پیامبر بالا رفته بودند، انتحال و تحریف شد و اموی‌سازی فتوحات مغرب و اندلس بوسیله مزدوران اموی و توسعه جاهلیت عرب پس از گذشت چند دهه از ظهور اسلام پدیده شاخص تاریخ سیاسی قرون وسطی است که مورد تحلیل وبر، کایتانی، مادلونگ قرار گرفته است. تعبیر سیاسی جملات خلفای اموی در انکار وحی و نبوت وهنگامی که خلیفه اول اموی خلیفه چهارم را ترور کرد و زمانی که جانشین او حادثه طف را رقم زد، توسعه نهضت عرب و توسعه جاهلیت عرب است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

فتوحات با قتل امام حسین (ع) ننگین شد و اندکی متوقف شد اما جهره واقعی خود را نشان داد و مسیر فتوحات در اختیار امویان قرار گرفت و فرماندهانی که اندک مخالفتی با امویان داشتند مانند حسان بن نعمان و موسی بن نصیر حذف شدند و امر فتوحات به عنوان پدیده‌ای عربی و اموی به سرعت در غرب جهان اسلام پیش رفت و زمینه سلطنت امویان در شبه جزیره ایبری را فراهم نمود.خاندان هایی از عاملان طف مانند فرزندان شمر واعراب شامی در بهترین نقاط اقتصادی اندلس در دولت – شهرهای طلیطله اشبیلیه و قرطبه مستقر شدند وعرب معمولی و غیراموی و قبایل متمایل به تشیع و مخالف امویان و بربرکه بیشترین سهم در فتح نظامی مغرب و اندلس داشتند در نقاط ضعیف و بدون فواید اقتصادی و سیاسی ساکن شدند.منظورازمنبر درتاریخ تشکیلات اسلامی قدرت است.امویان با سلطه برروند فتوحات در بخش غربی جهان اسلام که از مصر شروع شد به هر وسیله ممکن در غارت عربی که هر کاری از ترور و کشتار آزاد است با حذف نیروهای علی (ع) مانند مالک اشتر که فتح مصر را شروع کردند و ادامه دادند، کسب قدرت کردند و علویان را از دور خارج ساختند و مصر را مجددا فتح کردند به همین سبب علی ع فاتحان مصررا به دلیل همین اموی سازی وتوسعه شیوه جاهلیت به جای اسلام، "*فجره فسقه* " نامید. رفتار امویان دربودن قدرت فتوحات و بالا رفتن از منبر پیامبربه فسق و فجور سیاسی نظامی تعبیر شد.اما تطهیر امویان از این لقبی که مولای متقیان به آنها داد پاک شدنی نیست هر چند برخی قرن‌ها است تلاش می‌کنند. امویان رااز این ننگ خلاص و تطهیر کنند کاری که خلاف تصریح اکثریت مفسران فریقین است و اکثریت قریب به اتفاق معتقدند که مصداق بوزینگانی که از منبررسول خدا بالا رفتند شجره خبیثه ملعونه امویان است و تعبیربه یهود مطابق با واقع نیست.اما تطهیر امویان وتکذیب علی (ع) و شیعیان او سیره امویان اندلس شد که درتاریخنگاری اندلس هنوز از روی اگاهی و یا جهل و تعصب استمرار دارد. کتاب تاریخ تحلیلی اندلس (۱۳۸۹) و تاریخ تحلیلی اندلس مغرب (۱۳۸۹) به طور مبسوط روند فتح مغرب اندلس از آفریقیه تا پواتیه را درچهارچوب اموی‌سازی آن را برای مخالفت با سبک اموی تاریخ‌نگاری مغرب و اندلس در منابع کلاسیک و در نوشته های پیروان متعصب و یا نادان معاصر آنها دنبال کرده است. فرضیه پژوهش این است که تاریخ‌نگاری سبک اموی هنوز حاکم است و سلطنت امویان و هلاکت علویان درمغرب و اندلس به شیوه اموی درحال نگارش بوسیله نویسندگان اموی وحتی مخالف امویان است در حالی که اندلس با تکرار ده‌ها طف و حره و قطع شجره طیبه اهل بیت از ایبری، بوسیله سپاه شام حدود دویست سال استبداد بی‌نظیر امویان را تجربه کرد. این بخش ازکتاب تاریخ تحلیلی اندلس (۱۳۸۹) به شکل زیرکانه‌ای انتحال شده است و در یک رساله دکتری با ذکر ناقص مراجع و مصادر به کار رفته است. شرارت، استبداد و تشویه چهره اسلام با ارایه اسلام اموی بوسیله دولت امویان اندلس در سابه توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی گم و پنهان شده است. این دوره از تمدن اسلامی که بر فراز تمدن رومی بنا شد و ان را مهاجرانی از ایران و سایر نقاط جهان اسلام توسعه دادند، شکوه و عظمت ان نصیب سلطنت امویان شد.

واژه‌های کلیدی: امویان، شجره ملعونه، بوزینگان، منبر، فتوحات، آندلس

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

مقدمه

فتوحات اسلامی و گسترش دین اسلام در جهان، اسلام و نگارش تاریخ جهان در قرون وسطی

تاریخ صدراسلام با واژه فتح اغاز شده است که از سوره فتح و سوره نصر و چند سوره دیگر گرفته شده است که به پیامبر مژده گسترش اسلام و ورود مردم جهان به سرغت معجزه اسا را داده است و اسلام در کمتر از چند دهه قبل ازپایان قرن اول هجری جهان رومی و ایرانی را فتح کرد و رنگ اسلامی به ان داد وفتوحات نقطه اغاز تاریخنگاری اسلامی است که در کتب فتوح و مای که از مادر نخستین است منعکس شده است. فتوح البلدان بلاذی و فتح افریقیه و افتتاح اندلس جزو مصادر اولیه است.تاریخ قرون وسطی با قلم فتوحات اسلامی نوشته شده است. نیروی فتحات پیام محمد و سیره جهادی او و قران بود. که مردم در قالب سنت مرابطه و جهاد به عنوان داوطلب و تکلیف انجام میدادند. فتوحات عامل اصلی تغییر اجتماعی است و در جهان اسلام فتح به عنوان مهاجرت و اسفار نظامی عامل تغییر سرزمینی و مذهبی و اجتماعی شد و دنیای اسلام در متصرفات دو تمدن ایران و روم تا اسکان و استقرار جمعیت اسلامی ادامه پیدا کرد. محدوده فتوحات اسلامی در غرب جهان ا سلام از افریقیه تا پواتیه از ۳۵ تا ۱۱۴ از شروع فتح مغرب تا اتمام فتح در پواتیه است.

محدوده جغرافیایی افریقیه

پیشینه تاریخی مغرب در مهم‌ترین بخش آن، یعنی سرزمین افریقیّه منعکس شده است; افریقیّه به دلیل موقعیت سوق الجیشی در دریای مدیترانه، مورد نظر دولت‌ها بوده و سابقه حضور بیشترین تعداد اقوام مختلف را در خود دارد; افریقیّه، در طی تاریخ طولانی خود، شاهد حاکمیت عقاید و فرهنگ‌های مختلف و خاستگاه عقاید و فرهنگ خاص بربرهاو محل انتشار مسیحیت بوده است؛ رومیان (۴۲۷ تا ۱۴۶ق.م) و جانشینان آنها، قرن‌ها مروّج فرهنگ مسیحیت در غرب اسلامی بودند. مغرب بزرگ در اصطلاح جغرافی اسلامی شامل مغرب اقصی و اوسط و ادنی یا افریقیه است. «افریقیّه» به معنای وسیع آن، پیش از ورود اسلام به مغرب اطلاق می‌شد و در تصرف امپراتوری بیزانس بود; مسعودی، فرمانروای «صقلیه» و «افریقیّه» (دیار مغرب) را جرجس نامیده است; موقعیت سوق‌الجیشی افریقیّه (از برقه تا طنجه) از حیث سلطه بر مدیترانه و به جهت منابعِ سرشار اقتصادی آن، همواره مورد عنایت خاص امپراتوری بیزانس بود؛ رومی‌ها عنایت ویژه‌ای به افریقیّه داشتند و افریقیّه یکی از ایالات بزرگ و با برکت امپراتوری روم بود که بخش وسیعی از عایدات دولت روم از آن منطقه تأمین می‌شد.هنگام ظهور اسلام، افریقیّه، بخشی از امپراتوری روم، از مرزهای مصر در حدود برقه، طرابلس، تونس، جبال اوراس، تاطنجه و سبته را شامل می‌شد; سبیطله پایتخت این ایالتِ رومی بود و حضور رومی‌ها، به‌ویژه در منطقه افریقیّه به معنای خاصِ آن بیشتر بود; لذا در منابع جغرافیایی مسلمانان به این مطلب بیشتر توجه شده و ریشه رومی نام‌های بسیاری از شهرهای افریقیّه در این منابع جغرافیایی ذکر

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

شده که حاکی از حضور قدرتمند و طولانی مدت روم در این منطقه بوده است؛ حمیری نیز، در ذکر شهرهای افریقیّه، به سابقه رومی آنها اشاره کرده استدر این بین، توجه و تعصب لیون افریقی نیز قابل توجه است.

فتح افریقیه ومغرب و اندلس

۳-۱- جدا شدن منطقه استراتژیک افریقیه از روم با گسترش اسلام

مقارن با ظهور اسلام، مرگ یوستینین در سال ۶۵۶م، نشان سقوط امپراتوری روم در یونان و ایالت‌های شرقی بود. در جنگ‌های تقریباً نامتناوبی که در طول صد و هفتاد و پنج سال میان مرگ یوستینین و جلوس لئوایسوریایی رخ داد، امپراتوری قسطنطنیّه، ایالت شرقی و فتوحات افریقایی یوستینین را به اعراب واگذار نمود و در همین زمان، «اسلاوها» و «لمباردها» ایالت‌های اروپایی آن را در بخش جنوب شرقی اروپا و ایتالیا از آن خود کردند; بدین‌ترتیب «امپراتوری بالفعل» روم شرقی، در ایالت‌های مرکزی و شرقی آن، پس از مرگ یوستینین، چنان نابود شد که پس از مرگ تئودوسیوس در امپراتوری بالفعل روم غربی، از بین رفته بود; در زمان امپراتور قسطنطین چهارم، کار نزاع داخلی در امپراتوری به حدی رسید که او گروه خاصی را جهت پایان دادن به نزاع در ایتالیا، افریقیّه، بالکان و... (در سال ۶۸۰م) تشکیل داد؛ به دنبال اقدامات قسطنطین، روم و بربر در برابر اعراب متحد شدند؛ به گفته ابن‌خلدونبربرهای متحد با روم، «بتر» و «برانس» و بیشتر از بطون بربر بتر (نفوسه، زناته، مطغره، نفزاوه) بودند؛ بربرهای «اوربه»، «هواره»، «صنهاجه» از برانس بودند؛ هنگام فتح افریقیّه سَتَردیدبن رومی‌بن بارزت‌بن َرزیات، فرمانده بربرهای افریقیّه بود که هفتاد و سه سال از ولایت او می‌گذشت. علی‌رغم اتحاد پراکنده بربرها با روم، فروپاشی قدرت و ضعف امپراتوری بیزانس در افریقیّه به حدی بود که قادر به حفظ افریقیّه نبود و اگر در فاصله سال‌های ۳۵ تا ۴۵ه (که دولت اسلامی درگیر مسائل داخلی بود) دولت بیزانس از اوضاعی آشفته برخوردار نبود، قادر به بازپس گرفتن افریقیّه بود، اما این دولت از ضعف و اضطرابی، بیش از دولت تازه بنیادِ اسلامی رنج می‌برد.

۳-۲- بقای جاهلیت عربی و دوگانگی شخصیت فاتحان، ترور، عقب‌نشینی و حذف مخالفان اموی از فرماندهی فتوحات:

پیامبر در اخرین وداع خود قوانین جاهلیت را ملغی کرد اما جاهلیت در ششخصیت جامعه عربی باقی ماند و قدرت و ثروت ناشی از فتوحات باعث احیا و توسعه جاهلیت عربی شد و سرداران و عرب فتح و امعه صدر اسلام را به دو نیمه کرد. عوارض سیاسی اجتماعی این تفرقه بسیار خطرناک بود و مورد بهره‌برداری امویان قرار گرفت. و آنها با مشروعیت و قدرت فتوحات جریان مخالف را قلع و قمع کردند و استبداد خونینی در جهان تاسیس کردند. بررسی چهره و شخصیت فاتحان مغرب که درصدد گسترش اسلام اصیل بودند و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

سردارانی که فقط در پی اسلام اموی بودند دو چهره از فتح را ایجاد کرد و چهره اموی فتح در برابر چهره اسلامی فاتح قرار گرفت.مالک اشتر و موسی بن نصیر از فرماند هان عالی رتبه فتح ترور ششدند و حسان بن نعمان عقب‌نشینی کرد. و اسلام و جاهلیت از نو به مصاف هم رفتند. این بررسی ملاک درک اسلامی بودن یا نبودن فتوحات است ایا عرب دین را وسیله سلطنت اموی کرد. و دین وسیله تسریع در اهداف پیشرفت عربی شد. چنانکه محققین عرب گفته‌اند انفجار قدرت عرب امری اجتناب‌ناپذیر بود و از محمد عربی قران عربی و دین عربی یاد کردهاند.دو چهره انسانی و شیطانی در مغرب رهبری فتوحات را به عهده گرفتند. حسان بن نعمان و موسی بن نصیر و اتباع انها منتقد سرسخت امویان بود و اسلام آنها را رد کردند و مشروعیت امویان را باطل دانستند و به هرشکل به خاطر مخالفت با امویان مجبور به کناره‌گیری از فتوحات و یا به قتل رسیدند و به هرشکل از امر فتوحات حذف شدند. در یک سو معاویه بن حدیج و عقبه بن نافع و زهیر از والیان متعصب امویان و سرسپرده حزب اموی بودند که امر فتوحات مغرب را به پیش بردند اما در نهایت حزب اموی در کار فتوحات مسلط شد و ثمرات آن را به نفع خود تغییر داد.

۳-۳- فتح آندلس بوسیله صاحب فتح اندلس موسی بن نصیرو گسترش اسلام

منابع غیر اموی از موسی بن‌نصیر، به عنوان صاحب فاتح آندلس یاد کردهاند.او به سال ۹۱ هـ در عهد ولید بن‌عبدالملک خلیفه اموی، همراه طارق بن‌زیاد راهی آندلس شدمورخان از موسی بن‌نصیر با عنوان صاحب فتح مغرب و فاتح آندلسنام برده‌اند؛ اما در مورد مقامات معنوی و علم و فضل او کمتر سخن گفته‌اند به‌دنبال کامل شدن فتح مغرب‌اقصی، تحرکات نیروهای عرب در مرزهای آندلس آغاز شد؛ نبرد در اسپانیا، ادامه طبیعی جنگ‌ها در افریقیّه بود که با حوادث داخلی اسپانیا مقارن شد؛ فتح آندلس به موسی بن نصیر اختصاص دارد در صورتی که برخی منابع طارق را با ذکر داستانی مبنی بر اختلاف موسی و طارق و احساسات او نسبت به طارق مطرح کرده‌اند که متناسب با شخصیت موسی نیست. نتایج فتح اندلس در کل انتشار اسلام بود. زیرا فتوحات مسلمین در آندلس از حوادث بزرگی است که چهارچوب تحولات قرون وسطی تا هشت قرن را رقم زد و در پی آن، فرهنگ، تمدن، سیاست و اقتصاد قرون وسطای مسیحی; رنگ اسلامی به خود گرفت، این پیروزی به منزله هیمنه مطلق کلمه «لا اله الاّ اللّه؛ محمّد رسول اللّه» بر سه‌گانه پرستی مسیحی در بخش بزرگی از اروپا شد؛

اموی سازی فتوحات مغرب و اندلس بوسیله مزدوران اموی- توسعه جاهلیت عرب

٤-١- مصادره قدرت فتوحات بوسیله امویان

اموی‌سازی فتوحات و فرهنگ غارت عرب جاهلی در جنگ برای قدرت و غنیمت، یکی از پدیده‌های پیچیده سیاسی صدر اسلام اموی‌سازی فتوحات است و مسئله اصلی این پژوهش است که در سایر پژوهش‌ها به دلیل ناآگاهی و یا رونویسی از اثار دیگران مورد غفلت واقع شده است. خلافت اموی در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

شرق و غرب کوشید تا فتوحات را اموی سازد و اسلام اموی را گسترش داد و مخالفان که در راس آنها تشیع بود را کنار زد. این مطلب در کتا ب تاریخ تشیع در اندلس و تاریخ تحلیلی مغرب به شکل مفصل تبیین شده است. فتوحات در غرب جهان اسلام وسیله ای برای تامین قدرت ونام و نان امویان و برای تاسیس سلطنت اموی و گسترش اسلام اموی شد و ثمره فتوحات در نهایت وسیله تامین ثروت و قدرت و سلطنت اشرافیت عرب در اندلس شد. این به ظاهر تناقض اشکا بین انگیزه ابتدایی فتوحات و ثرات ان است.در رابطه با موضوع کشورگشایی مسلمین در این دوره به نوعی می‌توان از تعارض خواسته‌های اشرافیت جدید عربی با سیاست تند خلیفه دوم و قتل او ارتباط برقرار کرد؛ اشرافیت عرب و در رأس آنها، اموی‌ها، ادامه فتوحات را مهم‌ترین عامل تأمین‌کننده منافع خود می‌دانستند؛ ارتباط این مطلب با مسایل داخلی حوزه خلافت و استفاده بیشتر خلیفه دوم از نیروهای اموی نیز جای تحقیق بیشتر دارد. آیا عمر می‌خواست با تأخیر در اعزام نیروها به مرزهای دور از مرکز، ابتدا انسجامی حزبی در این نیروها به وجود بیاورد و سپس آنها را وارد عرصه فتوحات کند؟ به همین سبب با مرگ عمر در ۲۳ ذی‌الحجه سال ۲۶ه و آغاز خلافت عثمان در اوایل محرم سال ۲۶ هجری (نوامبر ۶۴۴م) تحرک بنی‌امیه در محدوده متصرفات روم افزایش یافت; در آغاز سال ۲۵یا ۲۶ و ۲۷ ه) عبدالله‌بن سعدبن ابی‌سرح، سرسپرده متعصب اموی به عنوان والی مصر در امر خراج و حرب منسوب شد؛ عبدالله ابتدا تحرکات و غزوات پراکنده‌ای در مرزهای افریقیّه انجام داد; او بعد از اعزام شدن به محل مأموریت خود از عثمان برای جهاد در افریقیّه اجازه خواست.

٤-۲- تناقض در رفتار و اهداف فتح و انقلاب بربر در برابر استبداد و فساد عرب فتح اموی:

اموی‌سازی فتوحات بوسیله معاویه و حزب شامی او معاویه بن حدیج و یارا ن او مانند بسربن ارطاه صورت گرفت. معاویهٔبن حُدَیج با حذف چهرهای شیعه از فتوحات برای حزب اموی شروع کرد.او از جمله چهره‌های معروف حزب عثمانی که نقش اساسی در امور داخلی حزب اموی و امر فتوحات مغرب داشت. او بعد از عبدالله‌بن سعدبن ابی‌سرح، جهت استقرار نظم و حفظ دست‌آوردهای فتوحات وارد افریقیّه شد; چنان‌که معاویه، بعد از استقرار و هم‌زمان با صلح با امام حسن ع در ربیع‌الاول سال ۴۱ه و برقراری آرامش نسبی در حجاز، معاویهٔبن حدیج را که در رأس حزب عثمانی در مصر قرار داشت به ولایت افریقیّه فرستاد و او همان کسی است که مانع از غلبه یاران علی× بر مصر شد؛ این شخص، هم‌چنین در طرح قتل محمدبن ابی‌بکر نقش اصلی را داشته و از متعصبان نسبت به معاویه و کینه‌توزان نسبت به امام علی ع بود و به عنوان مزد این کار خود به ولایت افریقیّه رسید؛ از جمله اقدامات سیاسی معاویه، اعلام استقلال ولایت افریقیّه از مصر بعد از مرگ عمروعاص در ۴۴ ه بود. موفقیت حزب اموی در سلطه بر فتوحات مقاومت بربر در برابر فاتحان عرب را بدنبال داشت و خود را به صورت قیام کاهنه و قیام کسیله وسقوط قیروان و حوادث مشابه که افریقیه را متشنج ساخت و منجر به چند لشکر کشی از حجاز و شام به مغرب شد نتیجه سلطه امویان در امر فتوحات و شیوه امویان در فتح بود این روش غیر

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

اسلامی کع استمرار و توسعه جاهلیت عربی بود به شورش مردم بومی که در پی اسلام بودند منجر شد. سرانجام شیوه رهبری فتوحات و ادعای دینی بودن بوسیله امویان و فرهنگ استبداد و غارت عربی آنها باعث شورش بومیان مغرب شد و قتل عثمان در مشرق شد.فتنه عثمان فتوحات عکس‌العمل تقسیم غنایم افریقیّه و نحوه تقسیم بود. فتح افریقیه و دادن اختیار تام ان به حزب اموی و فرهنگ آنها در جنگ، قتل خلیفه سوم را رقم زد.چنان‌که گذشت پیوندی ملموس بین فتوحات افریقیّه و حوادث داخلی خلافت اسلامی، وجود دارد؛ توقف فتوحات در افریقیّه و مصر در شرایط حکمین قرار نگرفت و عمروعاص با استفاده از این فرصت حزب عثمانی را با انگیزه فتوحات متحد ساخت.با وجود این‌که از حضور عناصر برجسته‌ای از «شیعه» و «حزب زبیری» در فتوحات گزارش‌هایی موجود است؛ اما عناصر اصلی این فتوحات از وابستگان درجه یک و سرسپردگان قسم خورده «حزب اموی» بودندتشنج در مرکز خلافت اسلامی و اضطراب در مرزهای مصر و افریقیّه به نحو مناسبی جهت کسب قدرت خلافت در آینده بهره‌برداری کردند؛ بین سال‌های ۳۵ تا ۴۱ ه عبدالله‌بن سعد و یاران عثمان دچار فتنه و انتقاد و تعریض و شورش مردم شدند، لذا فتوحات که به دست این گروه اداره می‌شد، متوقف شد و تا حل مسئله بین معاویه و حضرت علی (ع) و استقرار امور به دست معاویه، هم‌چنان متوقف ماند؛ معاویه و رجال او با به دست گرفتن خلافت اسلامی، میدانِ بازی در عرصه فتوحات به دست آوردند و دور دوم فتوحات مغرب آغاز شد.

٤-۳-کودتای عوامل اموی دمشق علیه موسی و پسرش عبدالعزیز و فتح ناتمام آندلس:

پیک خلیفه اموی، ابو نمر، در سال ۹۵ ه دستور ولید بن‌عبدالملک مبنی بر توقّف فتوحات و بازگشت سریع به شام را به موسی ابلاغ کردو موسی فتح آندلس را ناتمام گذاشت و همراه طارق و مغیث، راهی شام گردید.به گفته محققین، فتح نیمه تمام آندلس، راه را برای ایجاد نخستین جرقه‌های حرکت استردادِ آندلس در اولین سال‌های فتح آن باز گذاشت; واگذاری دره‌های جلیقیّه به فراریان سپاه اسپانیا که در آن‌جا پناه گرفته بودند، باعث تشکیل اولین هسته مقاومت در برابر مسلمانان در «شبه جزیره ایبری» شد; پلایو در ارتفاعات بلند استوریاس، در جریان جنگ «کوادونگا» که منابع اسلامی به آن اشاره نکرده‌اند، شکست سختی به مسلمانان داد؛ بدین‌ترتیب مسلمانان نتوانستند در آغاز هسته‌های مقاومت را از بین ببرند.

٥-تور و پواتیه و توقف فتوحات – پایان پیشروی در اروپا

در ۱۱۴ه غافقی به سمت کوه‌های پیرنه رفت و در بردال دوک کوتین را شکست داد و در شهر تودر جنگ با شارل مارتل شاه «فرانک‌ها» در بیست کیلومتری شمال شرق پواتیه در شعبان ۱۱۳ه/ ۷۳۲ م شکست خورده و به قتل رسید؛ اما پس از وی، عقبه بن‌حجاج سلولی و عبد الرحمن بن علقمه در ۱۲۳ه به پیش‌روی در سرزمین «گل» ادامه دادند. نزاع داخلی بین اعراب، باعث توقف کار آنها شد و سپتمانیا و اربونه به دست «گل‌ها» افتاد و پس از آن هسته مقاومت مسیحیان در شمال آندلس در جلیقیّه متمرکز شد: «ایریایی‌ها» و «گوت‌های» آواره در آن‌جا

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

سکونت گزیدند و موقعیت خود را در این منطقه بسیار بلند کوهستانی تثبیت نمودند و قلمرو آنها به اشتوریاس، کانتابریا و بخشی از جلیقیّه محدود شد.بعد از یک دهه تشنج ناشی از این نزاع، عبدالرحمن غافقی موفق شد نزاع سیاسی-قبیلگی عرب را در خدمت اهداف جهاد در مرزهای شمالی قرار جهت‌دهی کند; غافقی تا بیشترین حد ممکن در اروپا پیش‌روی و از رودخانه «الرون» عبور کرد و در فرانسه در «لوار» متوقف و وارد نبرد با دشمن شد؛ در جنگ «تور» و «پواتیه» (جنگ فرانسه) که ده روز طول کشید، در رمضان ۱۱۴ه/۷۳۲ م انبوهی از مسلمانان کشته شدند. از «پواتیه» به‌عنوان نخستین تشکل صلیبی در برابر مسلمانان در قاره اروپا یاد کرده‌اند. محققین «نبرد بلاط» را از مراحل سرنوشت‌سازتاریخ اسلام و مسیحیت تلقی کرده‌اند; منابع عربی از این واقعه با سکوت و یا اختصار عبور کرده‌اند؛ اما منابع کلیسا با شرح و تفصیل بسیار ولی با تردید و بدون دقت تاریخی ذکر کرده و بین آن با مسیر مسیحیت و گذشته فرانسه و بریتانیا و سرنوشت همه عالم ارتباط برقرار کرده‌اند؛ شارل مارتل و دولت‌های مسیحی شمال اسپانیا در جنگ تور و «پواتیه» برای جلوگیری از پیش‌روی اعراب، سیاست سرزمین‌های سوخته را به اجرا درآوردند و شهرها و نقاط آباد بین خود و سپاه مسلمانان را ویران و به بیابان غیرقابل سکونت تبدیل کردند.

چگونگی تاسیس دولت اموی در اندلس بر اساس نیروی فتح:

۵-۱- لشگر یزید در آندلس تعقیب و قتل بازماندگان حادثه حره مدینه بوسیله سپاه شام در اندلس

وسیله اول و اخر تاسیس دولت اموی که در شرق سرنگون شده بود توسل به قدرت سپاه شام بود.چنانکه در شرق هم امویان با سپاه شام دولت خلیفه چهارم را از بین بردند و دولت اموی را در دمشق تاسیس کردند و با سپاه شام ان را حمایت و تثبیت کردند. امویان با کمک لشکر یزید هر شورشی را خاموش کردند و تاسیس این لشکر درشام برای حفظ امنیت دولت اموی در اغاز راه بود.عبارت تکبّر بلج با مردم قیروان را دارد؛ شیوه ستم‌کارانه اعراب شامی در آندلس، از جمله محورهای نزاع در آندلس بود؛ شامی‌ها که نسبت به اعراب بلدی (نخستین گروه‌های عرب مهاجر به آندلس) بسیار کمتر بودند، به علت خیانت سیاسی دمشق، خود را صاحب منافع و فتوحات دانسته و به عیش و نوش در آن‌جا مشغول شدند؛ بلدی‌ها، از اعراب شامی که مدینه را غارت و قتل عام کرده بودند، کینه دیرینه در دل گرفته بودند. ورود بلج که با هدف اصلاح امور مغرب و آندلس انجام شده بود نتیجه معکوس داشت و باعث فتنه و جنگ داخلی بین اعراب شامی و بلدی شد؛ بلج، پس از شکست محاصره «سبته» و دفع بربرها در ذی‌القعده سال ۱۲۳ه. برای سرکوب بربرهای شورشی آندلس وارد آن‌جا شد او به درخواست عبدالملک بن قطن، به‌شرط آن‌که بلج، یک‌سال بعد از شکست بربرها، آندلس را ترک کند با بلج و اصحاب او مکاتبه کرد؛ عبدالملک با بلج، سردار اعراب شامی مخالف بود، اما با شور شبربر در آندلس مواجه بود و با وجود این اطرافیانش او را از دعوت بلج به آندلس ترساندند و به او هشدار دادند درصورتی‌که بلج به آندلس بیاید، ولایت آندلس را

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

تصاحب خواهد کرد; اما سرانجام وی مجبور شد با بلج وارد مذاکره شود؛ بلج ضمن پذیرش شروط عبدالملک، چند تن از اشراف دمشق را نزد عبدالملک گروگان گذاشت. نیروهای متحد عرب شامی، عرب بلدی و خراسانی، شورش بربر را مهار کردند و بلافاصله بعد از شکست بربر، اعراب به دو دسته تقسیم شدند: جناح شامی به رهبری بلج در قرطبه و جناح آندلسی به رهبری عبدالملک بن قطن که در سرقسطه پراکنده شدند. بلج و نیروهایش بعد از سرکوب بربر، آندلس را ترک نکردند و دارالاماره و منزل والی آندلس عبدالملک بن قطن را تصرف کردند و بدین‌ترتیب بلج در چهارشنبه اول ذی‌القعده سال ۱۲۳هـ در دارالاماره مستقر شد و عبدالملک ۹۰ ساله را به انتقام روز حرّه (۶۳ هـ) از خانه‌اش بیرون کشیدند و همراه با سگی در چپ و خوکی در راست او را مصلوب نمودند.ابن‌عذاری می‌نویسد: اعراب شامی عبدالملک را درحالی‌که می‌گفتند: «از شمشیرهای ما از مدینه گریختی»؛ کشتند. پسران عبدالملک که در ناحیه شمال آندلس و سرقسطه حکومت می‌کردند، به انتقام خون پدربا صد هزار عرب و بربردر محل برطوره به جنگ بلج آمدندو شکست سختی متحمل شدند؛ بعد از این جنگ، بلج دوازده ماه در آندلس حکومت کرد و در شوال ۱۲۴هـ به‌دست والی ناربونه، عبدالرحمن بن علقه لخمی کشته شد.

۵-۲- والیان اموی و زمینه‌سازی تاسیس دولت امویان در اندلس: نوه شمر، صمیل[1] زمینه‌ساز استقرار امویان در آندلس

امویان شرق به راحتی بعد از مدتی از فروپاشی در شرق در غرب تاسیس دولت کردند. بنیانگذار دولت اموی غرب عبدالرحمن اول است که خروج او از شرق و ورود او به اندلس به صورت داستان در آمده است.این‌که عبد الرحمن اموی، بدون سلاح و بدون داشتن اموال، انصار و... تنها با داشتن جسارت فردی موفق شده دولتی قدرتمند که حدود سیصد سال در آندلس پایید، تاسیس کند تنها با این فرضیه سازگار است که کارگزاران دولت اموی حداقل سه دهه پیش از ورود عبدالرحمن به آندلس زمینه را برای تأسیس، انتقال و تجدید دولت اموی در آندلس آماده کرده‌اند و عبدالرحمن بن معاویه مجری آخرین مرحله برای بنیاد دولت بوده است؛ چون همه تلاش‌ها در حوادث آندلس به‌ویژه در چند سال پایان دوره والیان جهت هدایت آنها به نفع حزب اموی بود.صمیل از آغاز حضور در آندلس و ورود به صحنه قدرت، تا هنگام ورود عبدالرحمن داخل اموی به آندلس، کوشید تا حکومت آندلس را به افراد ضعیف که قابل کنترل باشند، تفویض کند؛ حکومت ضعیف ثوابه و یوسف که به‌راحتی مجری احکام و نقشه‌های صُمیل بودند، بخشی از دوره انتقال از عصر والیان به دولت امویان آندلس بود; صمیل، نوهشمربن ذی‌الجوشن، قاتل امام حسین ع که پدر او از انتقام مختار به آندلس گریخت، مأموریت داشته تا در آندلس، زمینه انتقال قدرت به امویان را فراهم سازد؛ درحالی‌که جبهه یمنی در شرق جهان اسلام کار دولت اموی را یکسره ساخت؛ اما در آندلس، جناح یمنی در برابر جناح قیسی شامی به رهبری صمیل قرار گرفت و یمنی‌های آندلس به اموی‌ها پیوستند؛ بدین‌ترتیب در جنگ بزرگی که در شقنده

1. **Sumayl**

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

نزدیک قرطبه به سال ۱۳۰ه/۷۴۸ م به‌وقوع پیوست، یمنی‌ها شکست خوردند و دو رهبر بزرگ آنها، ابن حُرَیْث و ابوالخطّار کشته شدند.بدین ترتیب با نقشه قبلی دولت در اندلس به امویان منتقل شدو انها عملیات گسترد های را برای تثبیت خود در اندلس از ترور و قتل عام مخالفان انجام دادندو طراحی پیشین امویان جهت کسب قدرت در آندلس، در گزارش های ساختگی پیشگویی دولت امویان اندلس طراحی شده ه است. در این روایات، شخصی غیب‌گو عبدالرحمن بن معاویه را نسبت به دروغ بودن امان سفاح نسبت به امویان آگاه می‌سازد و گفت‌وگوی بین هشام بن‌عبدالملک و عبدالرحمن، را که در مورد زوال امویان سخن گفته‌اند، نقل می‌کند و از او می‌خواهد به آندلس برود چون صاحب امر است و نجات در آن‌جا است.

٦- نتیجه: مصادره قدرت فتوحات در اندلس بوسیله امویان و گسترش اسلام اموی

پژوهش نشان داد چگونه فتوحات اسلامی که برای اعتلای وگسترش کلمه اسلام از پایگاه نظامی مصر اغاز شده بود در ظاهر در طی هفتاد سال موفق به گسترش اسلام تا جنوب فرانسه شد و در تور و پواتیه در فرانسه متوقف شد و بوسیله امویان اهداف اولیه ان فراموش شد و امویان در شرایط آب و هوایی ایبری دولت رفاه و خوشگذرانی و عیش و نوش تاسیس کردند و این کار از اغاز با مخالفت سرداران متدین به فتح روبرو شد و به همین دلیل آنها از مسیر فتوحات حذف شدند و چندین حادثه شبیه طف و فخ مخالفان امویان را نابود کرد و زمینه سلطنت استبدادی امویان در اندلس فراهم شد. نکته حایز اهمیت اموی‌سازی فتوحات است که مدارک و اسناد کافی ان را اثبات کرد. تاریخ‌نگاری حوادث فتوحات بدست امویان و عناصر وابسته و با نفوذ آنها صورت گرفته است بویژه در حوزه غرب اسلامی که امویان قدرت خود را به آن جا انتقال داد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

فهرست منابع و مآخذ

ـ تاریخ تحلیلی اندلس شهیدی پاک محمدرضا، جامعه المصطفی العالمیه. قم. ۱۳۸۹
ـ تاریخ تحلیلی مغرب، شهیدی پاک محمدرضا، جامعه المصطفی العالمیه. قم. ۱۳۸۹
ـ تاریخ تشیع در اسپانیا، شهیدی پاک محمدرضا، نشر علویون، قم. ۱۳۹۵.
ـ المعجب فی تلخیص اخبار المغرب،ترجمه و تحقیق، شهیدی پاک محمدرضا، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹، قم.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]